

مجلس شورای اسلامی

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

یادگیری از خداوند سبحان و اعتماد به این که عالم محضر خداست و شماره نامبر بر احوال انسان و به منظور پاس داشتن مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه‌ایست جایگاه دانشگاه در استلای فرهنگ تمدن بشری، یاد انجمن و اعتماد به علم و اصدای دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می‌گردد اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی به نظر قرار داده و از آن تعهد می‌کنیم:

- ۱- اصل برانست: التزام به برانست جویی از حرکت رفقا غیر حرفه‌ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شبهه‌های غیر علمی می‌آلایند.
- ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تمهید به اجتناب از حرکت جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تمهید به رواج دانش و ارائه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تمهید به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تعدد و خودداری از حرکت حرمت شکنی.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات بودید ما جان حق).
- ۶- اصل رازداری: تمهید به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.
- ۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تمهید به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
- ۹- اصل منافع ملی: تمهید به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن چه شهر و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه باستان‌شناسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: پیش از تاریخ

عنوان:

گونه شناسی و تأثیرپذیری سفالیه‌های عصر مفرغ دشت

سیلاخور (لرستان) از گودین III

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر عبدالحمید رضایی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر کامیار عبدی

پژوهشگر:

زهرا توکلی

بهمن: ۱۳۹۱

چکیده

تحقیق پیش‌رو اهداف ذیل را دنبال نموده است:

شناخت و بررسی دوره فرهنگی عصر مفرغ، در دشت سیلاخور و ارتباط آن با فرهنگ‌های میان‌دره ای لرستان شمالی، به منظور تبیین سفالینه‌های سبک منقوش گودین III، که این مسئله بخشی از اصول این تحقیق بوده است و همچنین شکل و میزان پراکنش جغرافیایی مراحل توسعه سنت سفال منقوش تکرنگ، دشت سیلاخور نیز تعیین گردیده و گذشته دشت سیلاخور، از طریق مطالعه مواد موجود در سطح که تاکنون توسط گروه‌های بررسی کننده جمع‌آوری گردیده است با تکیه بر توزیع محوطه‌های دوره گودین III بررسی شده و نیز تحلیل توزیع مراحل توسعه سنت سفال گودین III، در دشت سیلاخور بیان شده است. همچنین بیان توزیع سفال منقوش تکرنگ فازهای III:6, III:5, III:4, III:2, P.III:2 گودین در قسمت‌های مختلف، حوزه دشت سیلاخور بخش دیگر این تحقیق می‌باشد.

تقدیم به:

ماه تابان پدرم و مهر رخشان، مادرم، و همسر و فرزندانم رامیس و دانیل.

تشکر:

خداوند منان را سپاس که بار دیگر لطف بی‌حد خود را شامل حال من نمود تا در مسیر شناخت فرهنگ و تمدن سرزمین عزیزم قدمی بردارم.

در مقام سپاسگزاری در این جا لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر عبدالحمید رضایی که با راهنمایی ایشان این تحقیق به ثمر رسید و همچنین از استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر کامیار عبدی در مقام استاد و مشاور که با ارشادات خود، همواره یاریگر من بودند تشکر نمایم و نیز از تمام اساتید گرانقدرم و دوستان ارجمند، که در این راه مرا یاری نمودند کمال سپاسگذاری را دارم، از جمله از اساتید و اعضای محترم گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، جناب آقای دکتر اکوان، مدیر گروه باستان‌شناسی سرکار خانم دکتر بهروزی، استاد بزرگوار رضا مستوفی، دکتر محمد رحیم صراف، دکتر بهمن فیروزمندی، دکتر مرتضی حصار، دکتر غلامرضا کرمان، سپاسگزارم، همچنین از سرکار خانم شیرخدایی مسؤول کتابخانه موزه ملی و همکاران محترمشان و نیز سرکار خانم قاضی‌زاده مسؤول کتابخانه موسسه باستان‌شناسی دکتر محمود افشار که در طول تحصیل یاری‌گر اینجانب بودند نهایت سپاسگذاری و قدردانی را دارم و زحماتشان را ارج می‌نهم و همچنین از همسر عزیزم که در این راه مرا همراهی نمودند و همواره مشوق من بودند کمال تشکر را دارم و برایشان آرزوی موفقیت می‌نمایم.

تعهدنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب زهرا توکلی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۸۰۶۵۰۴۹۱۰۰ در رشته باستان شناسی که در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۸ از پایان نامه خود تحت عنوان: گونه شناسی و تأثیرپذیری سفالینه های عصر مفرغ دشت سیلاخور لرستان» از گودین III با کسب نمره هفده و درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلا برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری ام از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

زهرا توکلی

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۱/۱۱/۲۸

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم زهرا توکلی از پایان نامه خود دفاع نموده و با
نمره۱۷..... بحروف.....جسسه..... و با درجهعالی..... مورد
تصویب قرار گرفت .

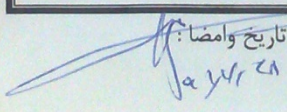
امضاء استاد راهنما

نام واحد دانشگاهی : تهران مرکزی	کد واحد: ۱۰۱	کد شناسایی پایان نامه : ۱۰۱۲۱۱۰۲۸۹۲۰۲۳
عنوان پایان نامه گونه شناسی و تاثیر پذیری سفالینه های عصر مفرغ دشت سیلاخور لرستان از گودین III		
نام و نام خانوادگی دانشجو : زهراتوکلی	تاریخ شروع پایان نامه : ۹۰/۱/۱۴	تاریخ اتمام پایان نامه : ۹۱/۱۱/۲۸
شماره دانشجویی : ۸۸۰۶۵۰۳۹۱۰۰		
رشته تحصیلی : باستان شناسی پیش از تاریخ		
استاد / استادان راهنما : دکتر عبدالحمید رضایی استاد / استادان مشاور : دکتر کامیار عبدی		
آدرس و شماره تلفن : کرج - مارلیک خیابان دکتر حسینی خیابان صدوقی بن پست چهارم پلاک ۵۸ تلفن : ۶۵۱۷۰۷۴۱		

چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده) :

تحقیق پیش رو اهداف ذیل را دنبال نموده است:

شناخت و بررسی دوره فرهنگی عصر مفرغ در دشت سیلاخور و ارتباط آن با فرهنگ های میان دره ای لرستان شمالی به منظور تبیین سفالینه های سبک منقوش گودین III، که این مسئله بخشی از اصول این تحقیق بوده است و همچنین شکل و میزان پراکنش جغرافیایی مراحل توسعه سنت سفال منقوش تک رنگ دشت سیلاخور نیز تعیین گردیده و گذشته دشت سیلاخور از طریق مطالعه مواد موجود در سطح که تاکنون توسط گروه های بررسی کننده جمع آوری گردیده است، با تکیه بر توزیع محوطه های دوره گودین III بررسی شده و نیز تحلیل توزیع مراحل توسعه سنت سفال گودین III، در دشت سیلاخور بیان شده است. همچنین بیان توزیع سفال منقوش تک رنگ فازهای P.III:2, III:2, III:4, III:5, III:6 گودین در قسمت های مختلف حوزه دشت سیلاخور بخش دیگر این تحقیق می باشد.

مناسب است <input checked="" type="checkbox"/>	تاریخ و امضا: 
مناسب نیست <input type="checkbox"/>	

نظراستاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات طرح	
۱-۱- بیان مسئله تحقیق	۱
۲-۱- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن	۱
۳-۱- هدفهای تحقیق	۱
۴-۱- فرضیه‌ها و سوالات تحقیق	۲
۵-۱- مدل تحقیق	۲
۶-۱- تعاریف عملیاتی متغیرها و واژه‌های کلیدی	۳
۷-۱- روش تحقیق	۳
۸-۱- قلمرو تحقیق	۳
۹-۱- جامعه آماری و حجم نمونه	۳
۱۰-۱- محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق	۳
۱۱-۱- پیشینه تحقیق	۴

فصل دوم: استان لرستان و دشت سیلاخور

۱-۲- استان لرستان و اوضاع جغرافیایی آن	۵
۱-۱-۲- ارتفاعات و کوه‌های لرستان	۷
۲-۱-۲- مسیرهای ارتباطی لرستان	۸
۲-۲- استان لرستان و دشت سیلاخور	۱۱
۱-۲-۲- جغرافیای طبیعی دشت سیلاخور	۱۲

- ۱۳-۲-۲-۲ پوشش گیاهی دشت سیلاخور ۱۳
- ۱۴-۳-۲-۲ جانوران دشت سیلاخور ۱۴
- ۱۵-۴-۲-۲ آب و هوای دشت سیلاخور ۱۵
- ۱۵-۵-۲-۲ پیشینه مطالعات باستان شناسی دشت سیلاخور ۱۵

فصل سوم: باستان شناسی عصر مفرغ گودین

- ۱۸-۱-۳-۱ پیشینه پژوهشی در ارتباط با گودین III ۱۸
- ۲۷-۱-۱-۳-۱ گاهنکاری دوره III گودین تپه ۲۷
- ۳۱-۲-۱-۳-۱ سفال‌های عصر مفرغ گودین تپه ۳۱
- ۴۰-۳-۱-۳-۱ سفال‌های قبل از عصر مفرغ گودین تپه ۴۰

فصل چهارم: مکان‌های باستانی عصر مفرغ دشت سیلاخور

- ۴۵-۱-۴-۱ روش مطالعه و بررسی ۴۵
- ۴۶-مکان شماره ۱: تپه ولیان (۱) ۴۶
- ۴۷-مکان شماره ۲: تپه سین آباد ۴۷
- ۴۹-مکان شماره ۳: تپه بزارنا ۴۹
- ۵۱-مکان شماره ۴: تپه رحیم‌آباد ۵۱
- ۵۲-مکان شماره ۵: تپه طنجور ۵۲
- ۵۳-مکان شماره ۶: تپه کیوره ۵۳
- ۵۴-مکان شماره ۷: تپه رومیان ۵۴
- ۵۵-مکان شماره ۸: تپه فنی حرفه‌ای (۲) ۵۵
- ۵۷-مکان شماره ۹: تپه سر رودخانه ۵۷
- ۵۸-مکان شماره ۱۰: تپه قرق ۵۸

- ۶۰ مکان شماره ۱۱: تپه ارمنی
- ۶۰ مکان شماره ۱۲: تپه گنجینه (۱)
- ۶۱ مکان شماره ۱۳: تپه پشگل دان
- ۶۲ مکان شماره ۱۴: تپه پهلوان کل
- ۶۴ مکان شماره ۱۵: تپه امامزاده مالک
- ۶۵ مکان شماره ۱۶: تپه دره سر (۳)
- ۶۶ مکان شماره ۱۷: تپه بردگلو
- ۶۸ ۲-۴- توزیع سفال گودین III در دشت سیلاخور

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات

- ۷۱ ۱-۵- نتیجه‌گیری
- ۷۲ ۲-۵- پیشنهادات
- ۷۳ پیوست (الف) نقشه‌ها
- ۸۱ پیوست (ب) جداول
- ۸۴ پیوست (پ) تصاویر سفال و مکان‌های باستانی
- ۱۰۱ پیوست (ت) طرح‌های سفال‌ها
- ۱۱۳ پیوست (ث) مراجع مقایسه نگاری
- ۱۲۳ فهرست منابع نقشه‌ها
- ۱۳۴ فهرست منابع جداول
- ۱۳۵ منابع و ماخذ
- ۱۴۲ چکیده انگلیسی

۱-۱ بیان مسئله:

در پاییز ۱۹۶۱ میلادی، کایلر یانگ در بررسی شرق لرستان ۲۴ سایت را در دشت سیلا خور شناسایی نمود که بعد از گذشت نیم قرن، اطلاعات خاصی در مورد آن منتشر نشده است، در این تحقیق سعی بر این است تا ضمن بررسی سفال‌های یافت شده در دشت سیلا خور، نقش و اهمیت آنها برای شناخت استقرارهای عصر مفرغ نیز روشن شود و همچنین ارتباط آنها با فرهنگ‌های میان دره ای لرستان و محوطه‌های لرستان شمالی نیز بررسی گردد.

۲-۱ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن:

با توجه به شناخت ناکافی از استقرارگاه‌های عصر مفرغ، در دشت سیلا خور لرستان انتشار نتایج این پژوهش گامی برای شناخت بیشتر این مناطق خواهد بود، همچنین در این تحقیق در دشت سیلاخور یافته‌های حاصل از بررسی‌ها با یافته‌های فرهنگی گودین III و گیان II-IV و وشوش IVa و باباجان V سنجیده می‌شود.

۳-۱ هدف‌های تحقیق:

تلاش برای درک گذشته دشت سیلاخور از طریق مطالعه مواد موجود در سطح که تاکنون توسط گروه‌های بررسی کننده دشت سیلاخور جمع‌آوری شده‌اند، با تکیه بر توزیع محوطه‌های دوره گودین III که بتوانیم حداقل به ظاهری‌ترین نمونه‌های پویای استقراری دست یابیم. روشن است که دشت سیلاخور در انزوا نبوده، به این دلیل که در دوره‌های مختلف، شواهد مادی سفالی و احتمالاً گروه‌های جمعیتی جدیدی از خارج از لرستان به آن وارد شده‌اند. این درحالی است که دشت سیلاخور از دسترس نفوذ سفال‌های خاکستری ماوراء قفقاز، دور بوده و سفال‌هایی از نوع گودین III پدیدار می‌گردد، که به شیوه مناسبی تلاش کرده تا بتوان الگوی استقرار دیرین محیط حوزه مورد مطالعه را، در دوره مفرغ دشت سیلاخور بازشناسی کنیم.

۱-۴ فرضیه‌ها و سوالات تحقیق:

۱- انتظار می‌رود در مناطق مساعد کشاورزی در حواشی رودخانه‌های سیلاخور و تیره (۱) نشانه‌های شواهد مادی بیشتری از سفال گودین III کشف کرد و قدیمی‌ترین سفال عصر مفرغ دشت سیلاخور سبکی شبیه سفال‌های گودین III:6 داشته باشند.

۲- نشانه‌هایی از استقرار مرحله گودین IV با فرهنگ یانیک، فقط تا جاده بزرگ نفوذ می‌کند و گودین‌تپه در مرز لرستان شمالی حد نفوذی آن بوده است.

۳- هم‌زمان با گودین III (تقریباً از ۱۵۰۰-۲۶۰۰ ق.م) دشت سیلاخور به شدت به طرف گیان و گودین تمایل داشته و تحت نفوذ آن درآمده است.

۴- در عصر مفرغ هم‌زمان با گودین III:6 دشت سیلاخور مورد توجه استقرارهای انسانی قرار می‌گیرد و ارتباط با شبکه‌های راه‌های بین منطقه‌ای در توسعه این دوره مؤثر بوده است.

۵- حضور قوی جمعیت در دوره گودین III:2 در دشت سیلاخور قابل تصور است.

۶- در عصر مفرغ دشت‌های میان دره‌ای لرستان ارتباطات نسبتاً روشن و به هم پیوسته‌ای داشته‌اند که از طریق مشابهت‌های سفالی دشت سیلاخور نیز قابل اثبات است.

۷- روابط فرهنگی در عصر مفرغ با فرهنگ‌های میان دره‌ای لرستان و گسترده آن تا مناطق شمالی از جمله گیان و گودین در اواسط هزاره سوم چگونه بوده است.

۸- تنوع و تحولات سبک شناختی، در مورد قدیمی‌ترین یافته‌های سفالی عصر مفرغ دشت سیلاخور و گودین III:6 و تفاوت آشکار آن با دوره قبل (گودین IV) چگونه است.

۹- در آستانه ورود به عصر مفرغ سفال یانیک (دوره گودین IV) در چه محدوده‌ای در لرستان شمالی گسترش یافته. آیا این سفال به درون دشت سیلاخور نفوذ کرده است.

۱-۵ مدل تحقیق: براساس مقایسه با سفالینه‌های عصر مفرغ گودین و گیان و طبقه بندی اطلاعات

۱- این رودخانه از تلاقی دو شاخه مهم به نام‌های تیره و رود سیلاخور به نام بیاتون تشکیل می‌گردد و دارای جهت شمال غربی جنوب شرقی است.

و تجزیه و تحلیل موارد ذکر شده می باشد.

۱-۶ تعاریف عملیاتی متغیرها و واژه‌های کلیدی:

عصر مفرغ یا گودین III: به فرهنگ خاص عصر مفرغ (با محدوده زمانی ۱۴۰۰-۲۶۰۰ ق.م) که

در تپه گودین کنگاور شناخته شده و هم زمان در اغلب مناطق زاگرس مرکزی دیده می شود.

عصر مفرغ: فرهنگ‌های عصر مفرغ (در محدوده زمانی حدوداً ۱۴۰۰-۲۶۰۰ ق.م) که در منطقه

مورد مطالعه ظهور نموده‌اند.

دشت سیلاخور: در محدوده دوشهرستان بروجرد و دورود در استان لرستان واقع گردیده است و

دارای مساحتی بالغ بر ۷۰۰ کیلومتر مربع می باشد.

گذار: محل‌هایی که آب رودخانه در بستر خود پهن شده که در ضمن معمولاً عمق آن نیز در این

محل‌ها کم می شود.

فرهنگ‌های میان دره‌های: خوزستان، هلیلان، نورآباد، الشتر، ازنا.

۱-۷ **روش تحقیق:** در این تحقیق ابتدا یک سری مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفت تا در

زمینه محوطه‌های باستانی دشت سیلاخور اطلاعات به دست آید، سپس سفال‌های عصر مفرغ به

دست آمده از دشت سیلاخور، با مجموعه‌های مشابه متعلق به مناطق شناخته شده تر در خوزستان

و گیان و گودین مقایسه گردید تا مفهومی غیر مستقیم از ارتباطات و تاثیرات متقابل استقرارهای این

دوره ارائه گردد.

۱-۸ **قلمرو تحقیق:** هفده محوطه باستانی واقع در دشت سیلاخور در استان لرستان.

۱-۹ **جامعه آماری و حجم نمونه:** تمامی گونه‌های مختلف سفالی دشت سیلاخور در عصر مفرغ

در این تحقیق مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱-۱۰ **محدودیت و مشکلات تحقیق:** عدم دسترسی مناسب به کتابخانه‌ها و عدم همکاری

مناسب کتابدارها با مراجعین.

۱۱-۱ پیشینه تحقیق:

دوره‌های فرهنگی IV-II تپه گیان با سنت متمایز سفال منقوش یک‌رنگ مشخص شده است (Contenau & Ghirshman, 1933 & 1935) به دست آمده از تپه گیان دربرگیرنده گورهایی است که جایگاه و ارتباط لایه‌های آن‌ها نامعلوم است از توالی تپه گیان تفاسیر متفاوتی شده است با این همه ارزیابی‌ها در اصل بر پایه رده‌شناسی استوار است طرح‌های منتشر شده مدارک کمی از آن‌ها را ارائه می‌دهد علاوه بر این گیان IV-II فقط نشان دهنده نیمه دوم دوره مورد نظر در اینجاست (Henrickson, R. 1987 a:205). در سال‌های بعد، حفاری‌های لایه‌نگاری شده در دوره III گودین تپه، به طور مطمئنی مراحل توسعه این نوع سنت سفال منقوش یک رنگ و سفال‌های ساده مربوط به آن را تعیین نمود (Young, 1969 a, Young, & Levine, 1974 Henrickson, R. 1986 & 1987 a-b). در دهه‌های ۱۹۴۰-۱۹۶۰ میلادی استاین (Stein, 1940) یانگ (Young, 1966) و گاف (Goff, 1971) در لرستان بررسی‌هایی انجام دادند ولی فقط اشتاین و گاف سفال‌های به دست آمده از چند مکان را توضیح داده‌اند. از این دوره به بعد بررسی‌های فشرده دیگری در کنگاور (Young, 1975) و ملایر (Howell, 1979) هلیلان (Mortensen, et al 1964 & Thrane, 2001, 1999 & 1970) و ماهیدشت (Levine, 1979 a-b) به انجام رسید. بررسی‌ها و کاوش‌های انجام شده در مناطق رومشگان (Schimdt et al 1989) پشت کوه (Vanden Berghe, 1974, 1971, 1969, 1979, 1988) و کاوش‌های (Henrickson, & Overeat 2006 & 2002) دهلران (Wright 1969) و خوزستان (Carter, 1970, 1974, 1978, 1998, 1991, 1979 a-b & 1980) و نیز کاوش‌های باباجان تپه در پیش‌کوه شرقی (Goff, 1976) اطلاعات مفصل‌تری را در مورد مراحل توسعه سنت سفال نخودی منقوش گودین III ارائه نمود. در نتیجه مطالعات و بررسی‌ها و کاوش‌های متعدد و مجزایی که اشاره گردید، دانش و آگاهی نسبتاً وسیعی در ارتباط با فرهنگ گودین III حاصل گردید، هنریکسون نیز مطالعاتی در مورد توسعه این پدیده در نواحی مختلف زاگرس مرکزی و جلگه‌های پیرامون انجام داده است. (Henrickson, 1987 a & 1986)

فصل دوم: استان لرستان و دشت سیلاخور

۱-۲- استان لرستان و اوضاع جغرافیایی آن

لرستان با مساحتی بالغ بر ۲۸۵/۵۹۵ کیلومتر مربع در غرب ایران در بخش کوهستانی سلسه جبال زاگرس قرار دارد و حدود ۱/۸ درصد یا ۱/۵۷ از سطح کشور را شامل می‌گردد و بین ۳۶ درجه و ۵۱ دقیقه با ۵۰ درجه و ۳ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۲ درجه و ۳۷ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۲ دقیقه عرض شمالی از خط استوایی قرار گرفته و بیشترین طول استان از غرب به شرق با مساحتی بالغ بر ۳۳۸/۴ کیلومتر که حداکثر عرض آن از شمال به جنوب حدود ۲۰۱/۶ کیلومتر است (جایگاه استان لرستان در کل کشور ۱۳۷۳:۹). (نقشه ۲-۲).

لرستان از طرف شمال با استان همدان، از شمال شرقی با استان مرکزی، از جنوب با استان خوزستان و از سمت شرق با استان اصفهان و از ناحیه غربی به استان ایلام و کرمانشاه محدود می‌گردد، بنا بر تحقیقات صورت گرفته در زمین‌شناسی، فلات ایران در دوران سوم زمین‌شناسی زیر آب بوده است و در همین دور آن منظره‌ای غیر از منظره کنونی اش داشته است، آب و هوای آن منظم‌تر و رطوبتش بیشتر بوده است و در نتیجه دارای جنگل‌های فراوان بوده، در انتهای عصر سوم آب و هوای کره زمین دچار دگرگونی‌هایی گردید. سرما و یخبندان همه‌جا را فرا گرفت و شدت این برودت و یخبندان نواحی غرب ایران را فراگرفته و تا قفقاز و ارمنستان پیش‌رفت. در دوران چهارم زمین‌شناسی برف‌ها و یخبندان‌ها ذوب شد و بر اثر آن دریاچه‌ها و آب‌گیرهای زیادی در نواحی پست فلات ایران پدیدار گشت. در این دوره باران‌های شدید و پیوسته زمین را خراشید و خاک رسوبی روی آن را پوشانیده و به تدریج با گذشت دروان‌های مختلف آب و هوایی در زمین فلات ایران حالت کنونی اش را پیدا کرد. (کریمی، ۱۳۱۶، ۴-۵).

سازش فرهنگی در اواخر دوره پلیستوسین در کوه‌های زاگرس واقع در جنوب غربی ایران در شرایطی صورت گرفته که با وضع فعلی کاملاً فرق داشته است. برخلاف آنچه که در اروپا رخ داده است، یعنی پیش‌وری توده‌های یخی، در جنوب غربی ایران به‌طور کلی در خاورمیانه تغییرات آب و

هوا شدید نبود ولی با این وجود یخبندان در نواحی شمالی زاگرس تاحدی شدید بوده است احتمال داشته که این یخبندان مانع از سکونت در قسمت‌های مرتفع زاگرس شده باشد. مطالعه بقایای حیوانات مربوط به اواخر پلیستوسین^(۱) معلوم می‌دارد که تغییرات آب و هوا در جنوب غربی ایران شدید نبوده زیرا بسیاری از حیوانات که ناپدید گشته‌اند به علت تغییرات آب و هوا بلکه به علت فرسایش چراگاه‌ها و شکار بی‌رویه بوده است. (هول، ۱۳۵۲، ۱۵-۱۶).

ناحیه لرستان یا معبر بین‌النهرین و خوزستان مکانی است که دیوارهای کوچک و بزرگی به موازات یکدیگر کشیده شده، این دیوارها که بقایای چین‌خوردگی‌های عصرهای مختلف محسوب می‌گردند، چین‌های عظیمی هستند که بین آن‌ها دره‌های عمیق و هولناکی قرار گرفته‌اند و در بعضی از آن‌ها به خصوص شکاف‌هایی است که عموماً آب‌های اطراف را از خود عبور داده تولید رودخانه‌های مختلفی کرده است.

تمام برآمدگی‌های این نواحی را می‌توان به دو قسمت متمایز تقسیم نمود:

۱- قسمت اول که در مجاورت سرحدات غرب ایران واقع گردیده است، شامل برآمده‌گیهای کم ارتفاع موازی و منظم که عموماً شامل نواحی معدنی و نفتی، قیری است، در این قسمت‌ها به هیچ‌وجه ارتفاعات مهم دیده نمی‌شود و چنین به نظر می‌آید که این نواحی تشکیل شده از یک‌سری فلات‌های ممتد و از این که در آن رودخانه و دریاچه‌ها خیلی به ندرت یافت می‌گردد و معلوم می‌شود که مانند زمین‌های شمالی تحت نفوذ فشارهای جانبی واقع گردیده است، بلکه از یک طرف متصل به سلسله جبال‌های عظیم و از سوی دیگر به جلگه حاصل‌خیز بین‌النهرین منتهی می‌شود.

۲- قسمت دوم شامل چین‌خوردگی‌های عظیم و مرتفع با سلسله جبال صعب‌العبور و گردنه‌های سخت است و چون این قسمت طرف فشارهای جانبی را تحمل کرده لذا سلسله جبال آن پیچ‌درپیچ و در فواصل هر یک، دره‌های عمیق و پر عرض و طولی ایجاد شده که از مجموع آن‌ها رودخانه‌های عظیم تاریخی مانند، سیمره، گاماسب و کرخه به وجود آمده است (میر محمدی، ۱۳۸۰، ۱۰).

۲-۱-۱- ارتفاعات و کوه‌های لرستان

کوه‌های لرستان مخصوصاً به واسطه فشارهای مختلف در دوره‌های گوناگون، دارای چین خوردگی‌های فراوان و پستی بلندی بسیار است. این پستی و بلندی‌ها اغلب به موازات یکدیگر کشیده شده و در وسط آن دره‌های سبز و خرمی وجود دارد که از آب رودخانه سیمره و شعبات مختلف دیگر مانند کشکان رود آبیاری می‌شوند. از اوایل تیرماه دره‌ها و کوه‌های لرستان سبز و خرم و اغلب دارای گل‌های زیبا است، تنها کوه مرتفعی که در لرستان به نظر می‌آید «کبیرکوه» است. این کوه بزرگ حدفاصل بین «پیش‌کوه» و «پشت‌کوه» لرستان است. به عبارت دیگر شرق این کوه را پشت‌کوه و غربش را پیش‌کوه می‌نامند و بنابراین می‌توان این کوه را حدفاصل دانسته و لرستان را به دو قسمت «پشت‌کوه» و «پیش‌کوه» تقسیم کرد. از پایین «کبیرکوه» تا بالا در حوزه کوه اشکفت‌هایی دیده می‌شود که در آن اشکفت‌ها از زمان ساسانیان آثار سنگی دیده می‌شود. (معرفت، ۱۳۵۲، ۲۶). به‌طور کلی نزدیک به ۸۵ درصد یا حدود ۶/۷ سطح استان این کوه‌ها فراگرفته‌اند ارتفاع متوسط کوه‌های موجود در استان بیش از ۱۷۰۰ متر است و از مهم‌ترین کوه‌های آن می‌توان به «اشتران‌کوه» با ۴۰۵۰ متر ارتفاع، سفیدکوه با ۲۹۳۱ متر نام برد. ولی دو کوه مهم در منطقه لرستان عبارتند از:

۱- پیش‌کوه: در میان دورشته کوه شمالی (کرمانشاه و همدان) و غربی (پشت‌کوه کبیرکوه) رشته جبال ممتدی به اسم پیش‌کوه قرار گرفته که گویا از جبال دوران‌های قدیم زمین‌شناسی محسوب می‌گردد در قسمت‌های غربی این کوه، انواع معادن به خصوص ذغال سنگ و در قسمت جنوبی معادن گچ و سنگ به چشم می‌خورد. همچنین دارای دریاچه‌ای است که دهانه آتشفشان قدیمی بوده است.

۲- پشت‌کوه: مانند پیش‌کوه امتدادی از شمال غربی به جنوب شرقی دارد، حد شمال غربی پشت‌کوه، کوه‌های کلهر و از شمال شرقی، مشرق و جنوب شرقی به کرخه و سیمره و از مغرب و جنوب غربی به جلگه خوزستان متصل است.

لرستان در جنوب، با سلسله کوه‌های «کبیرکوه» از بین‌النهرین جدا می‌شود و مهم‌ترین رودخانه آن «سیمره» است. شاید مهم‌ترین عاملی که موجب استقرار، دوام و رشد و تمدن لرستان در محدوده

جغرافیایی مشخص می‌شود، ارتفاعات پوشیده از جنگل و چشمه‌سارهای بسیار این منطقه است (میر محمدی، ۱۳۸۰، ۹).

۲-۱-۲- مسیرهای ارتباطی لرستان

۱- قسمتی از جاده معروف به «جاده‌ابریشم» (نقشه ۱-۲) که این راه با جهت جنوب غربی - شمال شرقی راه ارتباطی میان بین‌النهرین و افغانستان بوده است که از جنوب آشور، قصرشیرین کرمانشاه، کنگاور، همدان، ساوه وری عبور می‌کرد و سپس در این نقطه به جاده شرقی - غربی که تا افغانستان ادامه می‌یافت متصل می‌شد، این راه همان جاده معروف ابریشم یا جاده بزرگ خراسان است (مجیدزاده، ۱۳۶۶، ۳).

باید توجه داشت، که این جاده در اعصار گذشته، در طی حدود ده هزار سال، نقشی عظیم در نقل و انتقال کالا، فرهنگ، آیین، تکنولوژی، ایجاد و توسعه روابط فرهنگی و اقتصادی و نزدیکی ملت‌ها به عهده داشته و سابقه این امر بسیار قدیم‌تر از زمانی است که در آن منسوجات ابریشمی نیز حمل می‌شده است. این جاده در طول تاریخ خود شاهد بزرگترین حوادث، جنگ‌ها، تهاجمات و کوچ‌های انسانی بوده است و سرداران بزرگی چون کوروش و کراسوس رومی برای سلطه بر آن جان باخته‌اند اسکندر مقدونی نیز جان خود را خاطر سرمستی از پیروزی بر این جاده از کف داد. برای چندین سده بین ایران و یونان، ایران و روم، ایران و اقوام آسیای مرکزی برای تصرف نقاط سوق‌الجیشی این جاده، چون خراسان، ارمنستان، بین‌النهرین و سوریه، نبردهای سنگینی در گرفت. (ریاضی، ۱۳۷۴، ۸۴) مسیر مهم دیگری که در جهت شرقی - غربی، از میان زاگرس مرکزی می‌گذرد، مسیری است که به نام مسیر «پشت‌کوه - خرم‌آباد - بروجرد» خوانده می‌شود. این راه نسبت به جاده بزرگ خراسان که در امتداد لبه شمالی منطقه می‌گذرد، از دامنه‌های جنوبی‌تر عبور می‌کند. اینراه از قسمتی از جاده بزرگ خراسان، در مجاور مرز عراق - ایران و در منطقه قصر شیرین منشعب شده و از میان رشته‌کوه‌ها از طریق گیلان غرب و پشت‌کوه در جنوب شرقی امتداد می‌یابد و سپس از مسیر طره‌ان، کوه‌دشت، خرم‌آباد و سمت بادامک امتداد می‌یابد، سپس از آنجا به منطقه آب‌سرد متصل می‌گردد،